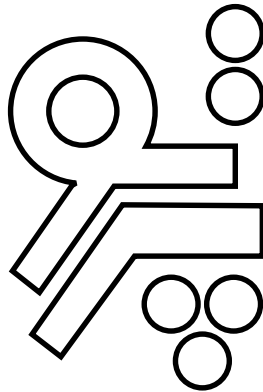


فعالیت‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی در



۴۳



گزارش فرهنگستان زبان و ادب فارسی



بارها به این
نکته اشاره شده که
فرهنگستان سیاست‌گذار
و برنامه‌ریز زبان است
و این سیاست‌گذاری
درباره «باید و نباید» های
زبان است.

سه‌شنبه، چهاردهم آذرماه، شبکه چهارم
سیمای جمهوری اسلامی ایران در برنامه «پرتو»
میزبان رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.
در این برنامه که اختصاصاً به موضوع فعالیت‌های
فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌پرداخت،
دکتر حسن حبیبی ضمن مروری بر فعالیت‌های
فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تاکنون،
وظایف فرهنگستان را در چهارچوب اساسنامه
متذکر شده و تصریح کرد: در سال‌های اخیر
به‌خصوص ما به این مطلب توجه کردیم که
باید یک سیاست‌گذاری جدی بکنیم مبنی بر
اینکه اصولاً فرهنگستان چه وظایفی دارد؛ آیا



من پیش‌تر بحثی
داشتم با رئیس سابق
گمرک مبنی بر اینکه
یک قسمت از کار ما
با شما باشد؛ یعنی شما
بیاید گمرکچی زبان
هم باشید و البته واقعاً
تا حدی هم هستند.

فرهنگستان دانشگاه است؟ پاسخ این است:
دانشگاه نیست و وظیفه ندارد زبان فارسی را
آموزش بدهد، چون حوزه زبان فارسی یک امر
سراسری است. آیا فرهنگستان پژوهشگاه است؟
خیر! پژوهشگاه هم نیست؛ زیرا تحقیقات ادبی و
زبانی باید در پژوهشگاه یا در قسمتی از دانشگاه‌ها
که بخش پژوهش دارند انجام گیرد. پس وظیفه
فرهنگستان چیست؟ بارها به این نکته اشاره شده
که فرهنگستان سیاست‌گذار و برنامه‌ریز زبان است
و این سیاست‌گذاری درباره «باید و نباید»های
زبان است.

مدیرگروه واژه‌گزینی فرهنگستان درباره
برخی راهکارهای پیش‌بینی‌شده برای سامان‌دهی
و افزایش سرعت واژه‌گزینی گفت: من پیش‌تر
بحثی داشتم با رئیس سابق گمرک مبنی بر اینکه
یک قسمت از کار ما با شما باشد؛ یعنی شما
بیاید گمرکچی زبان هم باشید - و البته واقعاً تا
حدی هم هستند. - به این ترتیب که هر کالایی که
وارد گمرک ایران می‌شود مرکب از چند عنصر
یا چند واحد به اصطلاح عنصری مختلف است.
در گمرک مثلاً به فلان ماشین یا فلان دارو در
پرائتر یک شماره می‌دهند و توضیح می‌دهند که
این دارو مرکب از سدیم و پتاسیم و غیره است.
اگر این نام‌هایی که داخل پرائتر آمده فارسی بشود
و در همان گمرک برگ سبزش عرضه شود، از

همان وقتی که صاحب کالا می‌رود عوارض کالای وارداتی خود را بدهد، واردکننده کالا و حتی ترخیص‌کننده کالا شروع می‌کنند به فارسی صحبت کردن. البته گمرک تا حدودی این کار را می‌کند، ولی نه همهٔ واژه‌ها را. ما این صحبت را با آن‌ها داشتیم که قسمتی از کار را در آنجا متمرکز کنیم و هم‌زمان نام کالاهایی را که وارد می‌شود و ترکیبات آن را به نحوی از انحصار فارسی کنیم، ولو فارسی آن بعدها تغییر کند.

راه دیگر این است که برای اینکه کار سریع‌تر پیش برود مجموعهٔ مطلعان و اهل اصطلاحی را که در دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی ما هستند فعال کنیم. ما در حال حاضر بیش از چهل گروه واژه‌گزینی تخصصی مرکب از دوستان استاد دانشگاه داریم. با این حال در آنجا مشکل داریم که فعلاً هم بحثش را نمی‌کنیم. من امیدوارم این مسئله را در شورای انقلاب فرهنگی طرح کرده و مجوز آن را بگیریم، ولی به هر حال با دوستان نفر نمی‌توانیم واژه‌های فراوانی را که باقی مانده تعیین تکلیف کنیم. نظری که پیشنهاد شده و من هم در طول یک سال اخیر دنبال آن بوده‌ام این است که انجمن‌های علمی‌ای که صاحب نظر هستند و این کالاها و مفاهیم را می‌شناسند و همین‌طور استادان دانشگاه‌ها با تشکیل کارگروه‌های اصطلاح‌شناسی در این زمینه به ما کمک کنند.

دکتر حبیبی در پایان این نشست از صدا و سیما به عنوان یکی از بهترین وسائلی یاد کرد که می‌تواند در گسترش واژه‌های عمومی معادل‌سازی شده نقش مؤثری را ایفا کند.



پنجمین نشست فصلی ادب معاصر یاکوبسن، وجودی حاضر و غایب

شنبه، بیست و پنجم شهریورماه، پنجمین نشست فصلی ادب معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی با سخنرانی «علی محمد حق شناس»، زبان‌شناس و مترجم، با عنوان «یاکوبسن، وجودی حاضر و غایب»، در تالار اجتماعات ساختمان مرکزی شهر کتاب برگزار شد. دکتر حق شناس در ابتدا با بیان اینکه در چند ماه اخیر رگه‌ی اصلی مطالعاتش را بر اندیشه‌های زبان‌شناس روسی، «رومن یاکوبسن» متمرکز کرده‌است، گفت: «شناخت یاکوبسن و ارائه‌ی تصویری از شخصیت فرهنگی او، هم بسیار آسان است و هم بسیار دشوار. آسان است به این دلیل که آرا و عقایدش را در چارچوب مقاله‌هایی ارائه می‌دهد. به قول «واچسلاو

ایوانف» - که از آشنایان او بوده است - او عالی ترین و کلی ترین احکام را در قالب مفاهیم محسوس به دست می دهد؛ در واقع زبان او بسیار ساده است. اما از طرف دیگر، مجموعه مقالاتی که یاکوبسن نوشته با اصولی سازمان دهنده، ولی نامرئی، به هم پیوسته اند و می توان گفت هم جمعی پریشان درست می کنند و هم به نظامی یگانه تبدیل می شوند. «کیپورسکی» که یکی از آشناسان بوده معتقد است یاکوبسن ابتدا مسئله را مطرح می کند و سپس جواب هایی را برای آن ارائه می دهد، اما چگونگی دستیابی به این جواب ها را توضیح نمی دهد.»

او یاکوبسن را وجودی در عین حال حاضر و غایب نامید و افزود: «یاکوبسن به گفته «استیون رودی»، اهل کتاب نوشتن نبوده؛ در نتیجه، کتابی از خود به جا نگذاشته است که حاوی چارچوب کلی و خطوط اصلی آرا و نظریه هایش باشد. از این مشکل آفرین تر آنکه در مقالات خود نیز، به گفته «پل کیپارسکی»، به طرح مسائل و ارائه پاسخ های درخشان و خیره کننده برای آن ها بسنده می کند، اما راه های رسیدن به آن پاسخ ها را ناگفته می گذارد. پیداست که این مسئله نیز شناخت آرا و افکار او را دشوار می سازد و دستیابی به شخصیت فکری و فرهنگی او را جز از رهگذر مرور انبوه آثار او نامیسر می گرداند. باینکه در بسیاری از کتاب های زبان شناسی و ادبیات به شیوه های گوناگون به یاکوبسن ارجاع داده اند، اما تعداد کتاب هایی که بخش زیادی را به او اختصاص داده باشند بسیار کم است. از این نظر او آدمی حاضر و در عین حال غایب است. یاکوبسن همه فن حریف است: زبان شناس، ادبیات شناس، سبک شناس، نشانه شناس، اسطوره شناس، و پژوهشگر فرهنگ و ادبیات عامه و در تمامی این رشته ها هم نظریه پرداز است.»

دکتر حق شناس پس از مروری بر زندگی یاکوبسن، کشفیات او را در ادبیات این چنین برشمرد: «۱. او زبان و ادبیات را به عنوان دو نظام نشانه ای مستقل اما مبتنی بر هم معرفی کرده و صراحتاً گفته است که شعر بودگی،

ارزیابی مجدد کلام در تمامی بخش‌های متصوّر آن است؛ یعنی او برای ادبیات جایگاهی مانند وجدان ادبیات در نظر می‌گیرد؛ ۲. یا کوبسن مطالعات ادبی را مانند مطالعات زبانی به دو نوع هم‌زمانی و در زمانی تقسیم می‌کند و مطالعه هم‌زمانی ادبیات را متشکل از انواع تولیدهای ادبی همراه با بخشی از سنت‌ها و آثار کهن می‌داند؛ ۳. با استفاده از جنبه‌های شش‌گانه موجود در هر ارتباط، او برای زبان شش نقش قائل است. در این میان، او نقش ادبی را برآمده از فرافکنی اصل «هم‌فرضی» می‌داند؛ ۴. یا کوبسن نشان داد که ویژگی شعر، هر گونه پیامی است که معطوف به خودش است و به همین دلیل دامنه پیام به گوینده و مخاطب و حتی راوی درون شعر هم می‌رسد؛ ۵. با استفاده از نتایج پژوهش‌هایش در زمینه زبان‌پریشی و زبان‌کودکان نشان می‌دهد که زبان‌پریشی حاصل بروز و یا ایجاد اختلال در روابط هم‌نشینی و یا جانشینی است؛ ۶. او نشان داد که نقش ادبی اگر با تمرکز بر اول‌شخص باشد به خلق آثار غنایی می‌انجامد؛ اگر بر دوم‌شخص تأکید داشته باشد بر حسب رابطه گوینده با دوم‌شخص، پایه خلق آثار تشویقی و تنبیهی و یا آثار غنایی می‌شود؛ اگر تأکید روی سوم‌شخص باشد به خلق آثار حماسی می‌انجامد؛ ۷. یا کوبسن با تأکید بر ویژگی ادبی که پیام را به خود پیام معطوف می‌کند نشان داد که نقش ادبی جایگاهی برتر از نقش‌های دیگر دارد؛ ۸. او برخلاف «سوسور» که قائل به دلخواهی بودن رابطه دال و مدلول بود، معتقد به وجود رابطه هم‌جواری رمز‌گذاری شده میان این‌ها بود؛ یعنی جایی که صدا در مقام دال نشانه زبانی، و معنی، در مقام مدلول آن، رابطه‌ای نزدیک‌تر و محسوس‌تر از هم‌جواری داشته باشد، و این امر حکایت از فرافکنی اصل شباهت بر اصل هم‌جواری دارد.»



ششمین نشست فصلی ادب معاصر چرا و چگونه می نویسیم؟

۴۹

شنبه، بیست و پنجم آذرماه، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در ششمین نشست فصلی ادب معاصر، هوشنگ مرادی کرمانی در این نشست، در ابتدا با اشاره به کلیات ادبیات کودک و نوجوان گفت: بسیاری مواقع بچه‌ها از ما و کارهایمان جلو می‌افتند، از ما انتقاد می‌کنند، دنیای خودشان را در آثار ما نمی‌بینند و خرده می‌گیرند که پایه‌پایشان ندیده‌ایم. از تجربه‌های کودکی‌های خودمان برای آن‌ها می‌نویسیم و آن‌ها می‌گویند پس سهم ما کو؟ از ما می‌خواهند که این قدر آن‌ها را نصیحت نکنیم و می‌گویند لذت خواندن و دنیای شیرین خیال‌های کودکی را از ما نگیرید، بگذارید خود ما هم تجربه کنیم.

وی در ادامه سخنان خود اظهار کرد: تاریخ ادبیات کودک و نوجوان ما از پند و اندرز بزرگ‌سالان به کودکان پُر است. بچه‌ها را ظرف‌هایی دیده‌ایم که باید از نصیحت و تجربه‌ها و سلیقه‌های روزمرگی ما پُر شوند و سخت‌گیری‌های ما مجالی برای لذت بردن آنان از قصه و شعر هنرمندان نگذاشته‌است.

او همچنین تأکید کرد: هنوز هم افسانه‌های ما لذت ادبیات را بیشتر از داستان‌ها در کام بچه‌ها می‌نشانند.



گزارش نشست ادب معاصر

نویسنده قصه‌های مجید همچنین خاطرنشان کرد: پیش از این نوشتن و گفتن از بچه‌ها را کار پیش‌یافته و سبکی می‌دانستند، اما این روزها به ادبیات کودک و نوجوان بیشتر بها می‌دهند. رفته‌رفته برخی آثار این گونه ادبی به زبان‌های دیگر ترجمه شد و نویسندگان و نقاشان کتاب‌های کودکان جایزه‌های مهم بین‌المللی دریافت کردند و نویسندگان و شاعران این حوزه در میان ادیبان بزرگوار و فرهیخته جای گرفتند. اما با وجود همه این چیزهای خوشحال‌کننده و غرورانگیز می‌شود و می‌توان ایرادهایی هم به روال کنونی ادبیات کودک و نوجوان گرفت.

مرادی کرمانی در بیان ضعف‌های موجود در این حوزه گفت: پیشی گرفتن ترجمه‌ها از آثار تألیفی، یکی از ایرادهای وارد بر این حوزه است و این تا حدودی ناشی از این است که کودکان و نوجوانان تازه‌گی‌ها کارهای ترجمه را بیشتر از آثار تألیفی می‌پسندند و ناشران نیز ترجیح می‌دهند آثار ترجمه را چاپ کنند.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی همچنین اظهار داشت: پرنویسی و انبوه‌نویسی، عجله در چاپ آثار، مستقیم‌گویی، سفارشی‌نویسی، بی‌دقتی نقاش‌ها و نقاشی‌های غیرجذاب، فرم‌گرایی‌ها و نیز نوگرایی‌های ناپخته نویسندگان و دست‌کم گرفتن بچه‌های امروزی از دیگر ایرادها و انتقادهای وارد به ادبیات کودک و نوجوان است.

وی در پایان سخنان خود گفت: به هر حال، هنوز پایان خوش، پایان خوش است و بچه‌ها پایان خوش را بیشتر دوست دارند.

در ادامه این مراسم استاد هوشنگ مرادی کرمانی به پرسش‌های حاضران پاسخ داد و یکی از داستان‌های کوتاه خود را خواند.